



محافظ ما یا مزاحم ما؟

④ فاضل صالح نیا

نعمتی کز شکر عاجز می‌کند گفتار را

در جهان آفرینش صحت و امنیت است
امنیت زیرساخت همه‌ی ابعاد زندگی یک جامعه است، هرچایی که پیشرفتی حاصل شده است به برکت وجود امنیت بوده است؛ بدون امنیت، کار دشوار می‌شود و دشمن این را می‌داند که شرط سرمایه‌گذاری و ایجاد ثروت، امنیت است؛ از این رو برنامه دشمن این است که با ناامن کردن کشور، از سرمایه‌گذاری و ایجاد ثروت در ایران، جلوگیری کند.

وقتی کسی در برابر پلیس می‌ایستد و با مأمورین این نهاد مقدس درگیر می‌شود، برایش خطونشان می‌کشد، قدرت و اقتدار آن را درملاعام به سخره می‌گیرد، در هنگام دستگیری فرد متهم یا خاطی، در کار او اخلاص ایجاد می‌کند، در اینجا پلیس چه وظیفه‌ای

آقای وزیر علوم انقلابی عمل کنید!

که بهره‌وری برخی از این دانشگاه‌ها با مشکلات جدی روبه‌رو شده و مراکز علمی کشور تبدیل به جولانگاه آشوبگران شود. روند کلاس‌ها از حالت عادی خارج شده و فضای تحصیلی از برخی دانشگاه‌ها رخت پرسته و دانشگاه تبدیل به محلی برای میتینگ‌های زرد سیاسی شده است به طوری که این روزها کارمندان حراست دانشگاه‌ها از اعضای محترم هیئت‌علمی یا دانشجویان تعامل دارند. در چنین حالتی اما وزارت علوم که اساساً برای ساماندهی و آماده‌سازی بستر دانشگاه‌ها تأسیس شده است حرکت مؤثری برای برطرف کردن این مشکلات انجام نداده؛ بلکه مسامحه و میدان دادن به این گروه اندک را در مقابل منفعت عمومی بیش از چهار میلیون دانشجویی دیگر در دستور کار خود قرار داده است.

محیط دانشگاه‌های کشور که سالیان سال در تولید علم در منطقه و جهان زبان زد بوده و محل رشد دانشمندان و اندیشمندان

ادامه در صفحه ۳

بیش از یک ماه است که وضعیت دانشگاه‌های کشور بهمانند خیابان‌ها درگیر فضای اغتشاش و آشوب است که به بهانه زن، زندگی و آزادی ترتیب داده و باعث اختلال در روند عادی پایگاه‌های علمی کشور

شده است. اختلالی از نوع هرچ‌ومرج که محیط دانشگاه را عملاً به محیط چاله میدانی برای حضور دانشجویانمان تبدیل کرده است. دانشجویانمانی که حرمت دانشگاه، استاد، دانشجو و علم را شکسته‌اند و تمام مؤلفه‌های دانشجویی را نقض کرده‌اند؛ اما به‌زعم خود در حال اعتراض هستند و خود را محق چنین آشوبگری می‌دانند!

اختلال بیش از یک‌ماهه دانشگاه‌ها در ابتدای ترم تحصیلی و هم‌زمانی آن با ورود دانشجویان جدید به دانشگاه باعث شده

④ سرمقاله



احمد رضا حبیبی بابا دے

● چی بودیم چی شدیم...

به گزارش WEF (انجمن جهانی اقتصاد)، ما در برابر حق تحصیل دختر و پسر و عدالت آموزشی در دنیا رتبه ۱۶ را داریم! به گزارش سازمان ملل قبل از انقلاب اسلامی، ایران جزء بی سوادترین کشورها در حوزه بانوان بود اما الان جزء بی سوادترین کشورها در حوزه بانوان هستیم؛ میزان بی سواد زنان ایران، از ۷۰-۸۰ درصد در سال ۱۳۵۴ به کمتر از ۱۰ درصد در سال ۱۳۸۹ کاهش یافته است

امام روح الله (ع) جاسوسان امریکایی

قراردادهای بین المللی اقتضا می کند که جاسوس در یک مملکتی به اسم سفیر باشد یا به اسم کاردار سفیر باشد! یا نه؟ اگر سفرایی باشند، اشخاصی باشند که در یک مملکتی خیانت نخواهند بکنند، جاسوسی نمی خواهند بکنند، اسباب حکومت نمی خواهند فراهم کنند، اینها هستند که گروگان گرفتارشان صحیح نیست. و اما اینکه ملت ما عمل کرده است، این گرفتن یک دسته جاسوس است.

صحیفه امام، ج ۱۱، ص: ۸۵



جنگ ترکیبی در تحولات اخیر

مهدی ادیب

می‌تواند به‌خوبی منابع نفت و گاز اروپا و غرب را تأمین کند. اما کشورهایی چون ایران و ترکیه نمی‌توانند در این مسئله بی‌تفاوت باشند. همان‌طور که نفوذ آمریکا و صهیونیست در این منطقه کاملاً مشهود است. این کشورها علاوه بر اینکه خواهان منافع حداکثری هستند در تلاش هستند دسترسی دشمنان خود را از این منابع و راه ترانزیتی به حداقل برسانند. کماکان که ایران در حال راه‌اندازی کریدور شمال به جنوب است و با ارمنستان توافقات صادرات گاز را انجام می‌دهد؛ در مقابل آذربایجان نیز تصمیم به تأسیس سفارت خود در اسرائیل می‌گیرد و ترکیه در ظاهر نظری توسط مقامات عالی‌رتبه‌اش بیان می‌کند؛ می‌توانیم به هاب انتقال انرژی ایران، روسیه و عربستان به اروپا تبدیل شویم. این اظهارات بیانگر چینه‌گیری‌های جدی برای تصاحب سهم انتقال انرژی است که می‌تواند منجر به جنگ و به‌خطرافتادن امنیت این کشورها شود. لذا در این تحولات که اثر جنگ ترکیبی است و به بخشی از آن اشاره شد، آمریکا و اروپا در این عرصه حمله را در دستور کار خود قرار داده‌اند و با هر ابزاری تلاش می‌کنند، کشورهای دارای منابع نفتی و گازی را دچار بحران کنند. تأثیر بر افکار عمومی از طریق رسانه، ایجاد شورش و بحران امنیت داخلی برای کشورها، ایجاد تنش بین کشورهای غرب آسیا از جمله این موارد است. عموماً غربی‌ها در بحران‌ها آب را گل‌آلود می‌کنند، تا ماهی بگیرند! هرگاه در طول تاریخ کشورهای اروپا دچار بحران یا تحولاتی شده‌اند، سعی داشتند به هر نحوی آن بحران را در جهان فراگیر کنند تا توجه کمتری به اروپا جلب شود و جهان را با سیاست‌های شوم و توطئه‌آمیز خود مشغول کنند.

امروزه شاهد تغییرات سریع و تحولات ناگهانی زیادی در جهان هستیم. شناخت و پیش‌بینی این تحولات کار ساده‌ای نیست، به‌خصوص وقتی کشورهای مختلف با مسائل جدی و فراگیری مواجه هستند. امنیت، بحران انرژی، ترانزیت، آب و امنیت غذایی از جمله موضوعاتی هستند که افزون بر مشکلات داخلی، تأثیراتی بر همه کشورهای جهان خواهد داشت. جنگ اوکراین و روسیه یک جنگ تک‌بعدی نیست که صرفاً این دو کشور را درگیر کرده باشد؛ بلکه یک جنگ ترکیبی است که اثرات آن، تحولات پیچیده‌ای در جهان رقم زده است. اوکراین و روسیه از جمله تولیدکنندگان و صادرکنندگان برجسته غلات در جهان هستند. ولی به دلیل جنگ میان این دو کشور شاهد اقدامات خصمانه‌ای هستیم که روی قیمت گندم و غلات در جهان اثر مستقیم دارد. روسیه بنادر اوکراین را برای جلوگیری از صادرات اوکراین محاصره دریایی کرده است. علاوه بر این، روسیه برای کنترل بازار داخلی خود، صادرات غلات را به حداقل رسانده است. گویا روسیه در تلاش است با ادامه این روند علاوه بر تحمیل بحران انرژی به اروپا از غذا به‌عنوان سلاح استفاده کند. کشورهای در این تحولات تلاش دارند سهم بیشتری از قدرت را برای خود تصاحب کنند. روسیه با حمله کردن به اوکراین، تحریم صادرات نفت و گاز به اروپا، سعی در جلوگیری از پیشروی‌های ناتو و تهدیدات نظامی را دارد. در مقابل آمریکا برای حفظ روابط تجاری خود با چین در تلاش است با حمایت از ناتو و اوکراین رضایت اروپا را داشته باشد. روابط بالای تجاری چین و آمریکا منافع اقتصادی بسیاری برای هر دو کشور دارد. خدشه‌دار شدن روابط آمریکا و چین توسط اروپا، تهدیدی برای آمریکا است. با همین روند اروپا تلاش می‌کند، آمریکا را به حمایت و مشارکت در حل بحران جنگ و انرژی در زمستان سرد پیش‌رو وادار کند. در این‌سوی عالم قفقاز منطقه‌ای است که

دارد؟ کوتاه آمدن از قانون و میدان دادن به فرد متخلف یا انجام‌وظیفه ذاتی خود؟ نیروی انتظامی در مسئولیت خود که ایجاد امنیت است، مظهر حاکمیت جمهوری اسلامی است. در راستای اعمال حاکمیت خود، در قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی وظایفی تعریف شده دارد که یکی از آن‌ها، تأمین امنیت برای برگزاری اجتماعات، راهپیمایی‌ها، و فعالیت‌های قانونی و مجاز (که مطابق قانون اساسی تشکیل اجتماعات بدون حمل سلاح نیز جز این موارد بوده) و ممانعت و از هرگونه راهپیمایی و اجتماع غیرمجاز و مقابله با اغتشاش و بی‌نظمی می‌باشد. دوازدهمین نیست که عده‌ای در مقابل مأمور قانون سر به طغیان بردارند، به همین سبب قانون‌گذار در قانون تعزیرات، حبس از سه ماه تا دو سال برای سرکشان در نظر گرفته، کما اینکه در دیگر کشورها نیز جرم‌انگاری مشابه حتی با مجازات سنگین‌تر صورت گرفته است. آن کسی که به پلیس حمله می‌کند، باعث تضعیف پلیس و بی‌دفاعی مردم در مقابل مجرمین می‌شود و این تضعیف پلیس به معنای تقویت جرم است. تضعیف فقط به‌صورت حمله فیزیکی به پایگاه‌ها یا پاسگاه‌های نیروی انتظامی نیست؛ بلکه با شایعه‌پراکنی بعضی سلبریتی‌ها که باعث بدبینی مردم نسبت به این جایگاه والا می‌شود نیز صورت می‌گیرد و بین مردم این‌گونه تلقی می‌شود، نیروی انتظامی که باید در کنار و مسئول مراقبت آن‌ها باشد الان روبرو و مزاحم آن‌ها هستند که نتایج ناگواری ایجاد می‌کند که نمونه‌ای از آن توسط کشورهای غربی علیه سوریه اجرا شد که تبعات سهمگینی مانند حداقل ۴۰۰ هزار کشته و مصدوم و دشمن‌انگاری دوست و دوست‌انگاری دشمن و تکیه بر آن‌ها و وابستگی به خارج را به بار آورد. از این‌رو باید گفت امنیت برای زندگی مردم و یک جامعه، نان شب واجب‌تر و مهم‌تر است و خداوند متعال در قرآن کریم در مقام ذکر نعمت‌های بزرگ خود به جامعه، می‌فرماید:

﴿الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَءَامَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ﴾ قریش | ۴

ادامه از صفحه ۱
زیادی بوده است اکنون به جولانگاهی برای اغتشاش تبدیل شده و خروجی آن شیشه‌های شکسته و صورتهای زخمی دانشجویان شده است. دانشگاه‌های مطرحی که روزی در کنار دانشگاه‌های برتر جهان نام آنها می‌آمد و خواستگاه اختراعات مختلفی بوده‌اند اکنون در کنار خیابان‌ها و محلات شورشی شهر قرار گرفته و خروجی تصاویر ارسالی از آنها با بقیه نقاط شهر هیچ تفاوتی نمی‌کند. دانشجویی که در دانشگاه‌های تهران تحصیل می‌کند، و سرانه وی از محل بودجه عمومی کشور قریب به ۴۰ میلیون تومان می‌رسد (که این مقدار بیش از سه برابر سرانه دانشگاه‌های سراسر کشور است) با یک اراذل و اوباشی که در گوشه شهر در حال آشوب است، یک شعار و یک عمل دارد.

در این روزهای پراشوب، جایگاه دانشگاه‌های مطرح کشور با اعمال و شعارهای زنده و رکیک قلبی از این دانشجویانماها در دید مردم سقوط زیادی کرده و وجهه و شهرت دانشگاه‌ها در میان مردم تقلیل یافته است. در چنین شرایطی این پرسش از مسئولین امر مطرح می‌شود که آیا از نظر شما اقدامات این عناصر فریب‌خورده در دانشگاه‌ها مصداق همان سیاه‌نمایی نمی‌باشد که رهبر معظم انقلاب در دیدار با نخبگان بر زدودن این تصویر تأکید داشته و مطالبه برطرف کردن چنین تصویری را از دانشگاه‌ها داشته‌اند؟ چرا تاکنون مسئولین دانشگاه‌های کشور و وزارتخانه مربوطه در برابر این آشوب‌ها متغافلانه عمل کرده‌اند؟ تا چه زمانی باید دانشگاه‌ها تعطیل باشند و این اقلیت، حقوق اکثریت در انتفاع از دانشگاه را خدشه‌دار کند؟

لزوم رسیدگی فوری به خشونت‌ها و اعمال خارج از عرف دانشجویان در این تجمعات خودسر و برخورد با عوامل ناامن‌کننده محیط دانشگاه‌ها باید در دستور کار قرار بگیرد. در چنین شرایطی که تخریب اموال عمومی دانشگاه توسط این دانشجویانماها صورت می‌گیرد و با رکیک‌ترین الفاظ و شعارها سر داده می‌شود، اگر کمیته انضباطی اقدام جدی و درخوری برای برخورد با این دانشجویان نمی‌کند، پس نباید به این کمیته‌ها حق داد تا در شرایط عادی با کارهایی کمتر از چنین اقداماتی رأی به اخراج و تعلیق دانشجویان بدهند. باید دید تا چه زمانی اقداماتی از چنین افرادی سر می‌زند که هم از نظر قوانین دانشگاه و هم از نظر قوانین حاکم بر نظم عمومی کشور تخلف و جرم بوده و مستحق مجازات است؛ اما اکنون و به بهانه دانشجوی بودن سعی بر ساختن یک مصونیت قضایی جعلی برای ایشان کرده و آنان را محق چنین اعمالی می‌دانند! دانشجویی که قرار بوده تحت لوای نام دانشجو دارای آزادی بیان برای تضارب آرا در محیط دانشگاه در جهت رشد و تعالی جامعه باشد، اکنون به رفتار و گفتاری قائل است که از دید اکثریت جامعه مطرود و قبیح است. تسامح با این افراد تا پایان دانش‌آموختگی و ورود ایشان در جامعه به‌عنوان نیروی کار باعث خدشه و زيان به مملکت بوده و روند رشد کشور را دچار فساد می‌کند و جز خلل و آسیب چیزی عاید کشور نمی‌سازد.


محیط علمی دانشگاه و حرمت و حریم علم و دانش برای کشوری که نام دانشگاه‌های آن مزین به نام شهرداری است که برای ارتقای علم و فرهنگ این ملت و کشور از جان خود با ایثار و فداکاری گذشتند و منش و مسلک خود را برای ما به یادگار گذاشتند خط قرمز ماست. ملت ایران که از ابتدای تاریخ پرحمدار علم و دانش بوده است، نمی‌خواهد محیط علمی دانشگاه محل حضور افرادی باشد که روش و مسلک آنان مغایر با اندیشمندان ما بوده و راه و منش آنان حتی اختلاف فاحشی با جامعه کنونی کشور دارد. خواست ملت ایران برخورد انقلابی و بدون تسامح با این مجرمان است.



این بار هم استکبار جهانی از ملت ایران تودهانی خورد!



محمدحسین مصدري

امام دیده می‌شد در خانه کسی را سوزانند، یاسی را برپیر کردند و خیمه‌های اهل بیت پسرشان را به آتش کشیدند. این‌ها درست زمانی اتفاق افتاد که مردم قدر داشته‌های خود را ندانستند و نخواستند که بهتر باشند و مرتکب قناعت ضعف شدند. حال در جمهوری اسلامی که به گفته سردار مقاومت، حرم است؛ باید بیشتر از قبل مراقب بود. **این حرم هم سنگینی حفظ حرم‌های قبل از خود را داراست؛ هم دشمنانش وقیح‌تر و تشنه‌ترند.**

شواهدی هست که ما را نسبت به این مسئله که در جنگ ترکیبی هستیم بیانگر می‌کند. اولاً باید گفت نته‌تها روز و ساعت و مکان حمله تروریستی برنامه‌ریزی شده بود؛ بلکه چگونگی و تعداد نفرات برای حمله هم مشخص بودند (می‌توان به بیانیه تبیینی مشترک وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه مراجعه کرد). این را هم در نظر بگیرید که محکومیت حمله تروریستی شاه‌چراغ توسط سازمان ملل شاید در وهله اول به مذاق ما خیرخواهانه برسد؛ ولی در واقع رویه‌های بود برای شانه خالی کردن غرب و بی‌طرف نشان دادن خود از آن و جانب منفعت را گرفتن. باید پرسید واقعاً چرا این سازمان ملل ترور حاج قاسم در کشور عراق، کشتار شیعیان هزاره در افغانستان، حمله به هواپیمای مسافربری ایران در خلیج فارس واضح توسط آمریکا را محکوم نکرد؟ یا از این مهم‌تر به گردن نظام انداختن این جنایت با نقشه‌های ناکارآمد با زور رسانه‌های جعلی (بیشتر از رسانه خبر بودن رسانه‌ی کذب هستند). از طرف دیگر اصل این حمله برای ایجاد و تشدید شکاف‌های قومی، ملی و مذهبی بود مثل آنچه که هر روز به‌عنوان سوزنی جدیدی برای کشته‌سازی می‌گردند و سریع هم آن‌ها را فراموش می‌کنند، چون دیگر برایشان نفی ندارد. در مورد دیگر هم حمله افراد در گروه‌های مختلف مثل طلبه‌ی بسیجی شهید آرمان علی‌وردی  و دیگر شهدای بزرگوار مدافع امنیت برای تغییر تصور از آن‌ها در جامعه. باید گفت این بود علت گریه‌ها و شکوه‌های شهدا و یاران انقلاب اسلامی بعد از پیروزی آن. آن‌هایی که شاید در نگاه سطحی گفتند: «خب انقلاب پیروز شد و دیگر تمام است»، پس باید برگردند و بار دیگر این سپاه را از ابتدا بخوانند. در پایان می‌گوییم ایران قوی منتظر ید واحده ایست که تکتک ما از انگشتان آن خواهیم بود. هر کس در جایگاه خود مسئول است و وظیفه‌های منحصر به فرد دارد. ما را هم در حین انجام وظیفه دعا کنید.

۱۳ آبان ۱۴۰۱ می‌تواند نقطه‌ی عطفی باشد برای آنکه انتظار تجدید بیعت می‌کشیده است... اللهم عجل لولیک الفرج ...

حفظ یک شیء یا حتی تفکر با ارزش به مراتب از به‌دست آوردن آن سخت‌تر است و نیاز به تدبیر هوشمندانه‌تری دارد به‌خصوص اگر ارزش حقیقی و ذاتی‌اش برای ما محرز باشد. البته که هم‌ما این حقیقت را بارها تجربه کردیم. از همان اولین ساعاتی که کودکی به دنیا می‌آید تا زمانی که انسانی تأثیرگذار شود باید مراقبت‌های زیادی پشت سرش باشد؛ خیلی خیلی بیشتر از زمانی که به دنیا نیامده بود. اما باید این را توجه داشت ... این را که انسان با از دست دادن چیز ارزشمندی به وضعیت قبلی‌اش باز نخواهد گشت؛ بلکه به پایین‌تر از آن چه که بود سقوط می‌کند. دلیلش هم واضح است نه دیگر آن سرمایه و وقتی که برایش گذاشته برمی‌گردد و نه دیگر روح و روانش آن توان سابق را داراست.

جنایت تروریستی حرم شاه‌چراغ  و شکنجه تا شهادت طلبه‌ی بسیجی - #آرمان_عزیز - همه‌وهمه و خیلی‌های دیگر نه فقط امسال، نشان از اوج دشمنی‌ها و کینه‌توزی‌های شیطان بزرگ (فراموش نباید کرد، این شیطان هم قسم خورده است) و همراهان او و از آن مهم‌تر نشان از بیداری ملت ایران تا به حال بوده است. اما اتفاقات اخیر بسیار متفاوت است چرا که دشمن نه مثل قبل به‌صورت نقطه‌ای و مقطعی... بلکه در یک جنگ ترکیبی همه‌جانبه به‌صود نابودی ما آمده و از دریچه وسیع شناخت‌ها سعی بر سوزاندن اصل و ریشه تمدنی ما دارد. یعنی راه و ظرفیتی نمانده که از آن برای ایرانی‌ت و ایران قوی استفاده کنند. دشمن مانند سیل تمام نیروهایش را به کار می‌گیرد تا بالاخره در یک نقطه ما را تسلیم کند. از دانشگاه‌ها می‌آید، از تلویزیون می‌آید، از کف خیابان تا حملات مزدورانه تروریستی دست‌به‌کار می‌شود. پس این حجم از حساسیت برای حفظ دستاوردها و هدایای الهی که برای همه مشخص است باید قابل درک باشد، نه؟! حالتی را تصور کنید که از زمانی که از در خانه خارج می‌شوید تا رسیدن به مقصد نه شما بتوانید کسی را نگاه کنید و نه دیگران شما را ... آن قدر اختلافات زیاد شده که بغض و کینه همه‌جا موج می‌زند. همسایه نفس کشیدن همسایه‌هاش را تحمل نمی‌کند. در خانواده‌ها کسی به کسی دیگر اعتنا نمی‌کند. هیچ‌کس توان ادامه زندگی را نخواهد داشت. این است همان خواسته‌ی دشمن. «نفرت‌پراکنی و تفرقه جز به‌جزء» و سپس «کاهش ظرفیت‌های اسلام» یاد حاج قاسم به خیر... 

در جنایت شاه‌چراغ این اولین بار نبود که به حرم جسارت شد، آن زمان‌ها هم که شکاف مردم با مردم و مردم با



تغییر نظم نظام بین الملل و ضرورت بازخوانی تحلیل‌ها و تصمیم‌گیری‌ها در سیاست خارجی و دیپلماسی

محمدجواد اصغری

و در چنین نظمی دیگر آمریکا نمی‌تواند قدرت فائقه باشد و بالتبع سلاح‌های راهبردی‌اش مانند تحریم‌ها و قطعنامه‌ها دیگر اثر سابق را نخواهد داشت چراکه، در مسئله تحریم‌ها، سایر کشورها با او همراهی نخواهند کرد و در مسئله قطعنامه نیز توان اجماع‌سازی آمریکا دچار اخلال شده است. شاید بتوان گفت تلاش اخیر آمریکایی‌ها برای آشوب‌سازی در ایران نیز ناشی از درک کاهش آثار تحریم‌ها است که با لطف الهی، تغییر شرایط بین‌المللی و دیپلماسی هوشمندانه دولت فعلی به ارمغان آمده است. آمریکایی‌ها اکنون بیش از همیشه دست خود را خالی می‌بینند، در مقطعی که نیازمند فشار و تضعیف ایران هستند تأثیر تحریم‌ها کاهش یافته و قدرت‌های آسیایی به‌جای همراهی با آمریکا، مرادوات خود با ایران را افزایش داده‌اند. آمریکایی‌ها امروز، دست به سوزاندن بسیاری از سرمایه‌ها و منابع اطلاعاتی و امنیتی خود در ایران زده‌اند و همه توان سیاسی، رسانه‌ای، اطلاعاتی، امنیتی و روان‌شناختی خود را به میدان آورده‌اند. در فقدان برنامه A و B برای دولت بایدن شاید این برنامه C باشد.

فصل خطاب کلام اینکه سیاست‌گذاران و مدیران اجرایی کشور، در این مقطع نه‌تنها نباید بر اساس مناسبات و نظم سابق نظام بین‌الملل تصمیم‌گیری کنند؛ بلکه باید با درک تحولات نظام بین‌الملل تصمیمات هوشمندانه‌ای را در خصوص مواجهه ایران و قدرت‌های بین‌المللی؛ چگونگی تأمین منافع ملی در تحولات و شرایط جدید و در آخر اقدامات مقتضی جهت ارتقای جایگاه ایران در نظم جدید نظام بین‌الملل، بگیرند و اجرا کنند. تحلیلگران نیز باید تحلیل خود را نه بر اساس مناسبات گذشته؛ بلکه بر اساس مناسبات جدید بنا سازند؛ چراکه دیگر "دوران یکه‌تازی و کدخدایی شیطان بزرگ" گذشته، ملت ایران امروز قوی‌تر از گذشته به مسیر خود ادامه می‌دهد و با لطف الهی و کاهش قدرت دشمنانش در نظم جدید نظام بین‌الملل می‌تواند در مسیر هموارتری، راه خود را طی کند و توفیقات خوبی را نصیب خود سازد.

ایران، آمریکایی‌ها تلاش کردند تا با تحریم‌های اقتصادی هدفمند، کارزار رسانه‌ای و جنگ شناختی حساب شده، در جامعه ایران "احساس درد" را ایجاد کنند و آن را افزایش دهند، سپس راه‌حل آن مشکلات در کنار مشکلات دیگر حتی مشکلاتی با منشأ داخلی را در گرو باج‌دهی به تحریم‌گران جلوه دهند و تلاش کنند تا میوه‌های این اقدامات را در میز مذاکره بچینند.

بعد از تجربه برجام از نظر آنها این استراتژی یکبار در مسئله هسته‌ای تا حدی مؤثر واقع شده بود؛ لذا دست به افزایش فشار و شدیدتر کردن تحریم‌ها زدند، البته قبل از جمهوری‌خواه‌ها، دموکرات‌ها مقدمات آن را در متن توافق فراهم آورده بودند؛ مسائلی مانند مکانیسم ماشه، باقی‌ماندن ساختار تحریم‌ها، باقی‌ماندن تحریم‌های اصلی و عدم تناسب داده و ستانده در برجام تنها گوشه‌ای از ابعاد ماجرا بود. تصور آمریکایی‌ها این بود که مانند تجربه هسته‌ای می‌توان این استراتژی را برای سایر حوزه‌ها مانند مسائل منطقه‌ای و موشکی نیز به کار گرفت. ایرانی‌ها بعد از تجربه برجام به‌خوبی متوجه شده بودند که اگر سرمایه‌های خود را به آمریکایی‌ها واگذار کنند نه‌تنها تحریم‌ها لغو نمی‌شوند؛ بلکه آمریکایی‌ها، تحریم‌ها را هدفمندتر و شدیدتر هم می‌کنند تا سایر سرمایه‌های آنها را نیز از چنگشان بیرون بکشند، در میانه همین کشمکش‌ها بود که نظم نظام بین‌الملل دچار تحولاتی شگرفی شد. علی‌رغم تلاش آمریکایی‌ها برای مهار چین و روسیه، آنها امروز نه‌تنها از آمریکا همراهی نمی‌کنند؛ بلکه وارد رقابت و تخاصم با آمریکا شده‌اند، در منطقه جنوب غربی آسیا محور مقاومت قوی‌تر از گذشته به راه خود ادامه می‌دهد، در آمریکای جنوبی دولت‌های ضدآمریکایی قدرت گرفته‌اند، متحدان سابق آمریکا دیگر حرف‌شنوی سابق از او را ندارند و در این میان آمریکا رو به افول است.

دنیا امروز دنیای بعد از پایان جنگ سرد نیست؛ بلکه قدرت آمریکا کاهش و قدرت رقیبانش افزایش یافته، نظام بین‌الملل در حال حرکت به سمت نظام چندقطبی است

یکی از نکاتی که رهبر معظم انقلاب در بیانات خود در دیدار دانش‌آموزان به آن اشاره فرمودند تغییر نظم نظام بین‌الملل و مناسبات آن بود. البته منظور ما از نظم نظام بین‌الملل، نظم خطی و مشخص ثابت نیست؛ اما با درنظرداشتن مجموع رؤس تحولات آن می‌توان به یک نظم کلی و نسبی دست‌یافت. جمهوری اسلامی در برهه‌ای که نظم نظام بین‌الملل، نظم دوقطبی بود سر برآورد و برخلاف چارچوب‌های دو قطب آن روز جهان، ایده متمایز حکومت الهی و دینی را مطرح نمود. بعد از فروپاشی شوروی، آمریکا خود را یکه‌تاز و یگانه قدرت فائقه جهان تلقی کرد و با اقدامات ماجراجویانه نظامی و سیاسی تلاش کرد نظام بین‌الملل را به شکل مدنظر خود بازسازی کند، در آن روزگار از نظر آمریکایی‌ها جهان به دو بخش متحدان و رقبای شکست‌خورده که به تبعیت از آنها درآمده بودند تقسیم می‌شد، دنیا غنیمت انحصاری آنها بود که باید با نظم غربی بازسازی می‌شد، هرچند به‌اصطلاح خود آنها در این میان برخی دولت‌های سرکش برخلاف این نظم حرکت می‌کردند.

آمریکایی‌ها تلاش کردند تا با اقدامات سیاسی، نظامی و اقتصادی این دولت‌ها را نیز از میان بردارند، آمریکا با حمله به افغانستان و عراق جدیت خود در ایفای نقش جدید خود را به نمایش گذاشت. در این میان جمهوری اسلامی همچنان ایستاده بود و در آغاز قرن بیست و یکم بود که آمریکایی‌ها تصمیم گرفتند علاوه بر آشوب‌سازی و اقدامات نرم امنیتی، از سلاح راهبردی خود یعنی تحریم‌ها علیه ایران استفاده کنند. طبعاً زمانی که آمریکا به قدرت یکه‌تاز جهان تبدیل شده بود تحریم‌ها از یکی از ابزار در سیاست خارجی آمریکا به یک سلاح راهبردی و برنده تبدیل شده بود؛ چراکه آمریکا توانایی همراه‌سازی سایر کشورها با خود را علیه کشور تحریم شده، داشت. تحریم‌ها با ایجاد احساس درد در جامعه هدف، آن کشور را وادار به تسلیم می‌ساختند، البته ممکن بود که کشور هدف نه‌تنها مقاومت کند؛ بلکه دست به روش‌های جدیدی بزند و تأثیر تحریم‌ها را بلعکس سازد. در خصوص